

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

این زلزله ها ...

دنیائی که در آن زندگی میکنیم مملو از حوادث تلخ و شیرین ، غم انگیز و مسرت بخش است ، تنها چیزی که میتواند این همه حوادث گوناگون را بهم مربوط کند اینست که هیچیک پایدار نیست و بر هیچ قسمت نمیتوان تکیه کرد .

هنوز شاخه های جوان درختان ، نوازش نسیم ملایم و جان بخش بهاری را فراموش نکرده تندباد های خزان فرامیرسند و بی رحمانه طومارزندگی آنها را درهم می پیچند غنچه ها هنوز نشکفته ، افسرده و پژمرده روی زمین میریزند ، با گذشتن يك زمان کوتاه کود کها جوان و جوانان پیر و پیران برای همیشه از نظر پنهان میشوند و آن همه آمال و عشقها و هوسها در دل خاک مدفون میگردد این تندباد سهمگینی که نامش « زمان » است بر همه چیز این عالم میوزد و گرد و غبار فرسودگی را روی آنها میپاشد و همان طور که پیشوای بزرگ ما علی علیه السلام میفرماید : « این شب و روزها نواها را کهنه و دورها را نزدیک میسازند ، بسیار میشود هنگامیکه فرصتی دست میدهد و در زوایای فکر خود بمطالعه خاطرات گذشته میپردازیم شبح حوادثی که در بیست سالوسی سال پیش واقع شده چنان نزدیک در نظر ما خود نمائی میکند که گویا چند لحظه قبل اتفاق افتاده است .

شاید تنها چیزی که میتواند آن همه هوسهای سرکش انسان را تا حدودی رام کند و از شدت حس و خود خواهی و خود پرستی و حرص بی پایان او بکاهد همین وضع نا پایدار

حوادث زندگی

راستی مردم، ای این زندگی ناپایدار و غیر قابل اعتماد این همه جنایت و ظلم و بیداد گری میکنند، آن همه دروغ میگویند و تهمت میزنند، آن همه سلاحهای خطرناک و نابود کننده برای از بین بردن هم نوعان خود میسازند و آن همه در میدانهای جنگ کرم و سرد صاف آرائی میکنند، وای اگر این وضع پایدار بود، راستی یکدیگر را میخوردند!

حوادث تلخ و دردناکی که هر روز در گوشه‌ای از اجتماع بشر رخ میدهد درس عبرتی برای عموم است، این حوادث همچون تازیانه‌هایی است که بر ارواح خفته انسان‌ها نواخته میشود و آن‌ها را از مستی قدرت و غرور ثروت بیدار میکند و بنا بر پایداری این وضع زندگی آشنا میسازد، و اگر برای این حوادث حکمتی جز این فایده تربیتی نبوده باشد برای اهمیت آنها کافی است (اگر چه در بحث توحید در باب فلسفه مصائب و آلام سخن بسیار گفته شده) ولی افسوس که این بیداری خیلی کوتاه است و دوباره آن خواب عمیق بیخبری سایه شوم و سنگین خود را بر دل و جان آدمی میافکند.

* * *

درد نیای صنعتی امروز که بقول «خوش باورها» همه قزای سرکش طبیعت با سر پنجه علم و دانش رام شده و همه چیز این جهان مسخر انسان گشته و در برابر هوش سرشار و نیروی عقل و فکر او زانو زده‌اند؛ گاه و بیگاه حوادث دردناکی مانند زلزله‌ها؛ طوفانها، سیلها و... رخ میدهد که نه تنها يك کشور بلکه همه جهان را غرق عزا میکند.

قابل توجه اینجاست که این حوادث مایه زیادی نمیخواهد، يك جنبش مختصر در زمین، سرعت سیر باد کمی بیشتر، چند قطره باران زیادتر کافی است که گوشه‌ای از سطح زمین را زیر و رو کند. در این موقع زمینی که امید آسایش انسان بود قربان گاه

اومیشود و آبی که مایه حیات او بود وسیله مرگ او می‌گردد و همان هوایی که وسیله زندگی او بوده سبب نابودی او میشود ، راستی چه وضع خطرناکی است ؟ عوامل مرگ انسان در دل اسباب زندگی او نهفته است !!



دوماه پیش « افادیر » بندر معروف مراکش رایکی از همین زلزله‌ها چنان زیر و رو کرد که به تل خاکی مبدل شد و حدود پانزده هزار نفر قربانی این حادثه دردناک شدند . لاقبل برای چندروز موجی از احساسات بشر دوستی در دل‌هایی که سرگرم جنگهای گرم و سرد مادی بود بجنبش درآورد و بانگ همدردی از همه سوی جهان بلند شد ، هیئتهای مختلفی از آن شهر که « شهر مرده » لقب یافته بود دیدن کرده و آمادگی خود را برای همه گونه مساعدت اعلام داشتند ، خبر نگاران سر نوشت اسف انگیز ورقت باز برادران مراکشی خود را برای همه جهانیان نقل کردند و رویهمرفته تکان مختصری ب فکر مردمی که غرق در تجملات زندگی مادی بودند داده شد و عواطف و احساسات انسانی را در دل‌ها زنده کرد که این خود یکی دیگر از آثار اینگونه حوادث است !

میرفت که این جریان از نظرها محو شود که فاجعه دردناک « لار » بوقوع پیوست و هزاران نفر از برادران دینی و هموطنان عزیز ما را بی خانمان ساخت و همه را غرق عزاو ماتم نمود . برادران لاری ما برای خود زندگی و خانه و کودکان خرد سال و جوانان داشتند ، شبی را آسوده خفتند و روز بعد را بی پایان نرسانیده بودند که همه چیز خود را در یک چشم برهم زدن از دست دادند .

شبى بر « لار » گذشت که جز ناله کودکان گرسنه و مجروح و افراد نیمه جانی که زیر آوارها با مرگ دست بگریبان بودند و ناله مادران و پدران داغدارى که در فراق عزیزان خود سوگواری میکردند و صدای دیوارهای نیمه خرابی که در حال ریزش بود صدای دیگری شنیده نمی‌شد ، تازه وقتی بفریاد آنها رسیدند چاره‌ای جز این نبود که باقیمانده این مردم ماتم زده را به بیابان برده و در آن هوای سوزان در میان

خیمه‌ها با مشکل‌ترین شرایط زندگی جای دهند .

روزی که خبر این فاجعه دردناک انتشار یافت قلبی نبود که برای مصیبت این برادران دینی و هموطنان عزیز نسوزد ، چشمها اشکبار و دلها داغدار شد . نه تنها هموطنان بلکه سایر مردم جهان هم از اظهار همدردی و کمکهای مختلف مضایقه نکردند و سیل کمک از هر سو مخصوصاً از شهرهای نزدیک به لار با نجا سرازیر شد . در اینجا ذکر این نکته لازم است که گرچه کمکهائی که از طرف دولت و مردم با ایمان و خیرخواه شده از هر نظر قابل تقدیر است و جان هزاران نفر از برادران ما را از خطر حتمی نجات بخشید ، ولی نباید فراموش کرد که آنچه تا کنون شده همه جنبه موقتی داشته و برای رفع خطر فوری بوده است ، اما تا شهر لار دومرتبه بصورت اول باز گردد سالها وقت ، و مبالغ هنگفتی هزینه ، و از همه بیشتر دلسوزی لازم است .

مسلمانان نباید در این موقع حساس برادران دینی خود را در برابر این مصائب و آلام کمر شکن تنها بگذارند ، باید نهایت درجه کوشش و فدا کاری کنند و از هر گونه کمکی که در اختیار دارند مضایقه نمایند زیرا در هر لحظه امکان دارد اینگونه حوادث دردناک ، خدای نکرده ، برای دیگران روی دهد ، انسان درسورثی میتواند در مواقع سخت زندگی از همدردی و پشتیبانی سایرین بر خوردار گردد که هنگام وقوع این حوادث برای دیگران وظیفه دینی و انسانی خود را در حق آنها انجام دهد در پایان این گفتار نظر خوانندگان عزیز را بحدیث شریفی که از پیشوای بزرگ مذهب ما ، امام صادق علیه السلام نقل شده جلب میکنیم :

کسیکه در راه تأمین احتیاجات برادران مسلمان خود قدم بردارد مانند کسی است که در جنگ بدر در راه خدا شهید و بخت و خون آغشته شده باشد
(نقل از جلد ۱۵ بحار الانوار)

از خدا می‌خواهیم که برادران لاری ما را در این مصیبت بزرگ صبر فراوان عنایت فرموده و آن‌ها و تمام نیکوکارانیکه آن‌ها را در این لحظات حساس تنها نمی‌گذارند مشمول لطف خاص خود قرار دهد .